

هفت بانوانه
«تک‌پرده‌ای‌های کوتاه»

گردآوری و مقدمه:
دکتر عطاالله کوپال

۱۳۸۵

سرشناسه
 عنوان و پدیدآور : هفت بانوانه : تک پرده ای های کوتاه / گردآوری و مقدمه عطالله کوپال
 مشخصات نشر : تهران: نگار و نیما (نگیما)، ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری : ۱۷۳ ص
 شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۲ - ۸۶ - ۷۹۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 یادداشت : فیبا
 موضوع : نمایشنامه فارسی - - قرن ۱۴ - - مجموعه ها
 رده بندی کنگره : PIR ۲۲۲۲ / ی ۹ ۴۷ :
 رده بندی دیویی : ۸۴۲ / ۶۲۰۸ :
 شماره کتابخانه ملی : ۲۵۵۳۶ - ۸۵ م



تهران صندوق پستی ۱۳۱۳۵ / ۱۱۳۵
 تلفکس ۶۶۹۲۸۳۱۶

www.negima.ir
 Email : info@negima.ir

هفت بانوانه

« تک پرده ای های کوتاه »
 گردآوری : دکتر عطالله کوپال
 طرح روی جلد : ایلینا تهمتنی
 چاپ اول : ۱۳۸۵
 تیراژ : ۶۰۰ نسخه

Printed in Iran

قیمت : ۱۸۰۰ تومان

شابک : ۸۶ - ۷۹۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست

صفحه	عنوان
۵.....	مقدمه
۱۱.....	۱- قانون، بدون خانواده / مریم ایرانمنش
۳۱.....	۲- آنجا، زیر آوار / آتوساراستی
۵۳.....	۳- سازش شرمبار ناسزاواران! / صبور و رنگرز
۹۱.....	۴- از پشت پرده ها / سیده شیوا شیخاوندی
۱۱۱.....	۵- صدای منو می شنوید؟ / مریم فرمانبر
۱۲۹.....	۶- سالگرد ازدواج / عفت قلم چی
۱۵۱.....	۷- سقوط در ثانیه آخر / عفت قلم چی

مقدمه

کتاب «هفت بانوان» شامل نمایشنامه‌هایی است که همگی به شیوه کارگامی نوشته شده‌اند و از آنجایی که نویسندگان این نمایشنامه‌ها همگی خانم بوده‌اند، نام هفت بانوانه بر این کتاب نهاده شد. نمایشنامه‌های این کتاب، طی زمانی طولانی، جمله به جمله و دیالوگ به دیالوگ در کارگاه نمایشنامه‌نویسی شکل گرفته‌اند. گاه چنان بوده است که اثری بیش از پنج بار بازنویسی شده و گاه پس از طی مسیری طولانی به این نتیجه رسیده‌ایم که باید بازگردیم و همه نمایشنامه را از نو بیافرینیم. استقامت و شکیبایی این هنرجویان سبب شد که در میانه راه، از پای و پویه باز نمانند و کار خود را تا به آخر ادامه دهند.

طرح هر یک از این نمایشنامه‌ها بر اساس تمرین‌های کلاسی شکل گرفته است. هر یک از هنرجویان ملزم به نوشتن تمرین‌های متعددی بودند که در آنها باید کار گره‌افکنی یا گره‌گشایی صورت می‌گرفت. چنانچه یک تمرین کلاسی به طرح دراماتیک جذابی می‌رسید، آن هنرجو بر روی همان طرح متمرکز می‌شد. داستان آن را تنظیم می‌کرد و بر اساس آن، به نوشتن دیالوگ می‌پرداخت.

مهم‌ترین جنبه کار هر هنرجو، رسیدن به دیالوگ‌های جذاب و دراماتیک بود. در تمام آثار برجسته نمایشی جهان، دیالوگ‌ها چشمگیر و باارزشند. در واقع می‌توان گفت که دیالوگ در تئاتر با اینکه بیانگر

کلامی از زندگی روزمره است، اما در نهایت، امری ادبی است. ادبی بودن دیالوگ، به معنای ادیبانه و اغراق‌آمیز بودن آن نیست. اما در هر حال باید بپذیریم که نمایشنامه، با آنکه سرانجام به روی صحنه می‌رود و باید قابلیت اجرای تئاتری داشته باشد، جزو ادبیات هر سرزمین به شمار می‌آید و از همه قواعد عام و خاص حاکم بر ادبیات برکنار نیست.

متأسفانه در سال‌های اخیر، الگوی دیالوگ‌نویسی به شیوه سریال‌های تلویزیونی باعث شده که سطح ادبی دیالوگ، در بسیاری از نمایشنامه‌های ایرانی پایین بیاید و نزدیک شدن به زندگی، بهانه‌ای گردد برای نوشتن دیالوگ‌های سطحی! چنین دیالوگ‌هایی از خصلت ماندگاری و جاودانگی بی‌بهره‌اند. پس از یک بار مصرف فراموش می‌شوند و کسی رغبت نمی‌کند دوباره به سراغ آنها برود. در واقع برای رسیدن به دیالوگ‌های هنری باید از آنچه که به مطایبه، «سریالیزاسیون» می‌نامیم اجتناب کرد. پای این سریالیزاسیون اخیراً به دیالوگ‌های سینمایی نیز باز شده و نتیجه آن ظهور دیالوگ‌های پیش‌پا افتاده و سطحی در بخشی از سینمای ایران است.

در نمایشنامه‌های این مجموعه، تلاش اصلی و عمده بر این اساس بوده که دیالوگ‌هایی فراتر از سطح گفتار عامیانه و گاه مبتذل زندگی روزمره خلق شود، بدون آنکه یک ادبیانگی ساختگی به آنها تحمیل شود. دیالوگ در این آثار از گفتار معمولی فاصله یافته و سرشتی زیبایی‌شناسانه به خود گرفته است. در واقع دیالوگ در تئاتر، باید

بتواند نیاز زیبایی شناختی مخاطب را در هنگام خواندن و یا تماشای اثر برآورده کند. نزدیک شدن گفتار صحنه به زندگی، به معنای عامیانه کردن گفتار نیست. زیرا در چنین صورتی، نویسنده، دیگر از زبان و ابزارهای آفرینش هنری آن هیچ بهره‌ای نبرده است. به عنوان نمونه می‌توانیم «اکبررادی»، نمایشنامه نویس برجسته ایرانی را مثال بزنیم. شخصیت‌های آثار او، مردم کوچه و بازارند، اما «کوچه بازاری» حرف نمی‌زنند. رادی توانسته است به گونه‌ای استادانه از همان کلام کوچه و بازار، دیالوگ ادبی خلق کند و مهر آفرینش هنری خود را بر آن بزند.

از این رو می‌توان ویژگی عمده آثار این کتاب را، دیالوگ‌های آن دانست. علاوه بر این، در راستای دیگر آثاری که در گذشته از هنجویان این کارگاه منتشر شده، در این آثار می‌توان خط پررنگ یک طرح دراماتیک را مشاهده کرد. درام باید این قدرت را داشته باشد که مخاطب را بنشانند و او را برانگیزد، تا ماجرا را دنبال کند. قدرت درام، در توانایی برانگیختن حس «تعلیق» است. خلق تعلیق در درام به تکنیک‌های پیچیده‌ای وابسته است. این شوگردها مبتنی بر آفریدن شخصیت، شخصیت‌پردازی، گره‌افکنی و خلق کشمکش‌های قوی است. اما مهم‌ترین خصلت درام، خلق «بحران» است. معمولاً ملودرام‌های سطحی، «تعلیق» را بر گره‌افکنی‌های شگفت‌انگیز یا کشمکش‌های خونین و آشتی‌ناپذیر بنیان می‌نهند. «بحران» عبارت از کنشی است که طی آن شخصیت یا شخصیت‌های اصلی نمایشنامه دیگر نتوانند به مسیر قبلی داستان ادامه دهند.

در این نمایشنامه‌ها و تمام نمایشنامه‌های دیگری که پیش از این از هنرجویان این کارگاه نمایشنامه‌نویسی منتشر شده است، موقعیت‌هایی پیچیده و فشرده آفریده شده است که توسط بحران‌های متعدد، به پیش می‌روند. این ویژگی‌های همگون را به عنوان اختصاصات سبکی مشترک در میان این بیست و یک نمایشنامه می‌توان برشمرد. در همه این آثار، «درام» با قدرت تعلیق خود جلوه‌گر شده است. اینک می‌توان چنین پنداشت که با انتشار این آثار، گامی موثر در راستای پیشرفت ادبیات دراماتیک کشورمان برداشته شده است.

از سال ۱۳۷۶ تاکنون، آثار زیر به قلم هنرجویان این کارگاه نمایشنامه نویسی منتشر شده است:

- کتاب شش نمایشنامه معاصر، انتشارات سعدی شامل نمایشنامه‌های:

۱- بانوی پرلاشز: حسین مهکام

۲- مرد، ویلچر و چند پرسش: علی ریاحی

۳- زنی پشت در: گیتی بایندر

۴- بعد از محاکمه: رضا صفوی نیک

۵- عریان در گرد باد: هوشنگ فضل‌ی

۶- کسوف: رزیتا اصلمند

- نمایشنامه آندرانیک، انتشارات آتنا: حسین مهکام

- نمایشنامه فیلم خانوادگی، انتشارات جهاد دانشگاهی: مژگان فرح‌آور

مقدم

- کتاب شش تک‌پرده‌ای کوتاه، انتشارات آتنا، شامل نمایشنامه‌های:

۱- ترور بازیگر تئاتر: گیتی بایندر

۲- انتخاب چهارم: عفت قلم چی

۳- یازده شاخه زنبق سفید: رزیتا اصلمند

۴- اشک مصنوعی: رزیتا اصلمند

۵- شطرنج سوئیسی: هوشنگ فضلی

۶- عکس تازه: الهام فرزانه

اینک با انتشار این هفت نمایشنامه، هنرجویان و دانشجویان کارگاه نمایشنامه‌نویسی من، توانسته‌اند در مجموع بیست و یک اثر را منتشر کنند و این بدون تردید، کارنامه‌ای در خور اعتنا است. به ویژه آنکه این نمایشنامه‌ها، بارها و بارها در جشنواره‌های گوناگون، به روی صحنه رفته‌اند، و یا در پایان نامه‌های دانشجویان تئاتر به اجرا درآمده‌اند. از میان این آثار، نمایشنامه آندرانیک، موفق شد جایزه سوم نمایشنامه‌نویسی بیست و یکمین جشنواره تئاتر فجر را در سال ۱۳۸۱ به دست آورد. و نمایشنامه شطرنج سوئیسی نیز در سال ۱۳۸۵ موفق به دریافت جایزه دوم جشنواره کانون ها شد.

امیدوارم در آینده نیز بتوانیم این مسیر را با موفقیت ادامه دهیم.

عطاالله کوپال

تابستان ۱۳۸۵